

ضربانگ

درباره آثار امین‌الله رشیدی

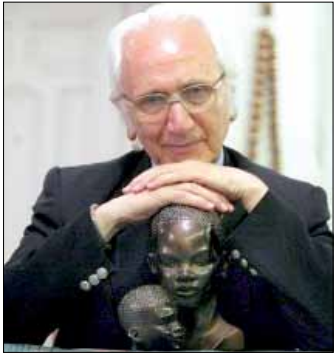
موسیقی عشق و شباب

هوشنگ سامانی

■ فقط گوش دادن به دو یا سه تصنیف ساخته و پرداخته امین‌الله رشیدی، حکایت زندگی چهل سال پیش ایرانیان شهرنشین را تا حد زیادی تصویر می‌کند. موسیقی‌اش به طرز آشکاری سرخوشانه می‌نماید و این ویژگی چنان طبیعی است که نمی‌توان او را به نقش بازی کردن متهم کرد. رشیدی در غالب آثارش از خوشی و سر مستی حرف می‌زند و موسیقی‌اش به گمان من بازتاب یک دوره از زندگی بی دغدغه توده عظیمی از مردم ایران است. حتی در جاهایی که ترانه‌ای عاشقانه می‌خواند و ظاهراً از فراق می‌نالَد، با ناله عاشق‌های زمانه ما زمین تا آسمان فاصله دارد. برای نمونه شعر تلخ اخوان ثالث با مطلع «من اینجا دلم تنگ است» در خوانش رشیدی، آن تلخی اولیه را از دست می‌دهد و جور دیگری جلوه می‌کند که هم شکایت از روزگار دارد و هم خیلی پر رنگ نیست. یا به عبارتی سر خوردگی شاعر که در جای جای کلام کاملاً محسوس است، در خوانش امین‌الله رشیدی، کمی رنگ می‌بازد.

اگر امین‌الله رشیدی سرخوشانه ساخته و خوانده، همین گونه هم زیسته و ناچار نبوده است همچون برخی معاصران در کارش نقش بازی کند؛از این لحاظ کارش به دل می‌نشیند. گرچه گاهی به گوش غریبه می‌نماید. آثار وی با آنکه در یک دسته بندی کلی، جزو موسیقی رادیویی گل‌ها محسوب می‌شود ولی به طرز آشکاری با کارهای سایر آهنگسازان و خوانندگان برنامه گل‌ها متفاوت است. اول اینکه غم رمانتیکِ ساخته‌های همایون خرم، اکبر محسنی، جواد معروفی و پرویز یاحقی در کارهای او شنیده نمی‌شود و در عوض یک شادمانی و سرخوشی ویژه را به همراه دارد. وی حتی از عناصر موسیقیِ مطربیِ شهری در کارش بهره می‌گیرد به گونه‌ای که جلوه‌ای هنری پیدا می‌کند و از عربانی آثار مطرب‌ها بیرون می‌آید. ترانه «فرور دین» یکی از همین نمونه‌هاست.

رشیدی بی‌محابا از فواصل و چارچوب‌های موسیقی غربی برای زیباتر ساختن کارش استفاده می‌کند و چندان در این وادی نیست که خروجی کارش صدرصد ایرانی هست یا نیست. بدین ترتیب تقریباً نیمی از



خواننده‌هایش در فواصل مینور شکل می‌گیرد. مینور خوانی وی گاه در چارچوب آثار هنرمندان برنامه گل‌هاست که همچنان به بیات اصفهان و چهارگاه نزدیک‌اند و گاه فراتر از آن می‌رود و در حقیقت یک موسیقی تقریباً غیر ایرانی با واژگان فارسی را روایت می‌کند.از جمله در ترانه «شهر افسانه‌ها» به طور عریان از موسیقی متن فیلم «عصر جدید» ساخته نابغه سینمای جهان چارلی چاپلین استفاده می‌کند.

امین‌الله رشیدی در عین حال گاهی به شدت ایرانی می‌خواند، یعنی چارچوب فواصل و گردش ملودیک، چیزی خارج از موسیقی ایرانی و به اصطلاح سنتی نیست. با این وجود امضای خاص وی باعث می‌شود که گونه‌ای دیگر به گوش برسد و احتمالاً یک موسیقیدان کاملاً سنتی و معتقد به موسیقی دست‌گهی را راضی نکند.از جمله در ترانه «قص شعله» می‌توان روایت متفاوتی از آواز افشاری را شنید.

در نمونه‌ای دیگر با آنکه کلام کاملاً با گویش فارسی خوانده می‌شود، ولی ارکستر همراهی کننده، به موسیقی عربی گرایش دارد و حتی در لحظاتی ویولن به صورت تک‌نوازیِ خاطر موسیقی‌ام کلشوم را در ذهن جاری می‌کند. ترانه «جام هوس» در سه گاه چنین مشخصه‌ای دارد.

استفاده محدود از فواصل پنتاتونیک که از مشخصه‌های موسیقی شرق دور به حساب می‌آید، از دیگر خصوصیات کارهای اوست. نمونه این برداشت را می‌توان در موزیک متن سایت رسمی امین‌الله رشیدی در ترانه‌ای با عنوان «کیستم من» شنید.

تأثیر آوازهای ایرانی بر خوانش او نیز کم و بیش مشهود است؛ ولی آنقدر پر رنگ نیست که رنگ موسیقی‌اش را دگرگون کند.

در مجموع تصنیف‌سازی و ترانه‌سازی وی شخصیتی کاملاً متمایز دارد که تاکنون همچنان منحصر به خود وی مانده است. تا آیدگان چه فضاوت کنند.

گفت‌و‌گو با سیمین غانم، به بهانه کنسرت‌اش در تهران

من به دیدار سحر می‌رفتم

مرجان صانینی

بیشتر از ۱۰ دقیقه‌ از ورود ما به آن خانه گرم حوالی سعادت آباد نگذشته بود که فضا آنقدر مهربان شد که انگار سال‌هاست این بانوی هنرمند را می‌شناسیم؛ می‌شناختیم این بانو را که «گل‌گلدون من»اوشده است گل‌گلدون همه‌ما. چقدر خوب است که سیمین غانم اشعار را فقط با ملودی‌هایش به یاد می‌آورد و این گونه بود که هر بار خواست از ترانه‌ای بگوید که خوانده‌است و می‌خواهد بخواند، صدای رسای زبانش در آن خانه گرم حوالی سعادت آباد طنین انداخت و گفت‌وگوی ما زیباتر شد. با خانم سیمین غانم به بهانه کنسرت اخیرش که ۱۱و ۱۲اسفند برای بانوان در تهران اجراشد گفت‌وگو کردیم.

■ ■ ■

خانم غانم، به خاطر دارید این چندمین کنسرت شماست؟
دقیقاً نمی‌دانم، شاید صد و هشت یا صد و نهمین.
یعنی صد و هشت‌سکانس اجرا با صدو هشت روز اجرا؟
ببینید. بعضی روزها دو سانس بود که در واقع دو کنسرت محسوب می‌شود. البته الان برای هر روز به بیشتر از یک اجرا اجازه نمی‌دهند.

یادتان هست اولین اجرا یانان کی بود؟

دقیقا خاطرم نیست. باید از کتاب گل‌گلدون ببینم. اما حدوداً ۱۱ سال پیش بود که سالانی هم در اختیار ما قرار ندادند و مادر سینما صرا برنامه اجرا کردیم. خانم غانم، وقتی برای اولین اجرا روی صحنه رفتید استرس داشتید؟

بله، بعد از مدت‌ها قرار بود روی استیج بروم و خیلی نگران بودم، نسبت به برخورد مردم و اینکه من را به خاطر می‌آوردند. اما بعد از جوی که به وجود آمد مشخص شد که من را فراموش نکرده‌اند. غوغایی شد.

آیا اولین بار بود که یک خانم برای بانوان کنسرت داشت، یا قبل از شما کسان دیگری هم کنسرت برگزار کرده بودند؟

آن زمان شروع این جریان بود. شاید در همان حدود زمانی کسان دیگری هم بودند، اما من الان بادم نیست.

البته خوبی آهنگ «گل‌گلدون» این بود که بعد از ۲۰ سال به نوستالژی تبدیل شده بود. قبل از انقلاب این آهنگ یک آهنگ روز بود اما گذشت این سال‌ها تبدیل شده بود به یک آهنگ خاطره‌انگیز و آشک به چشم خیلی‌ها آورد.

بله، هر کس به من می‌رسد، می‌گوید از این آهنگ خاطره دارد، یا با این آهنگ عاشق شده، ازدواج کرده یا بعضی‌ها می‌گویند این آهنگ را به صورت لالایی برای بچه‌هایشان می‌خوانند.

زمانی که فعالیت نداشتید خیلی‌ها بودند که ادعا داشتند این آهنگ را آنها ساخته‌اند و برای آنهاست... شاید آهنگسازانی بودند که این ادعا را داشتند، اما در مورد خواننده فکر نکنم کسی این ادعا را کرده باشد. آن روزها بعضی‌ها می‌گفتند این آهنگ را فریبرز لاجینی ساخته؟ شاید به خاطر اینکه من با ایشان همکاری داشتم. آهنگسازانی که با من همکاری کردند، محدود و فقط چندتایی بودند که کارشان خوب بود و من با آنها کار می‌کردم. شاید این سوء تفاهم به همین دلیل بوده است.

اولین آهنگسازی که با ایشان کار کردید چه کسی بود؟
آقای سی بودند به نام زندی که من آهنگی به نام موج خروشان را با ایشان کار کردم.

البته آنها آهنگ‌هایی بود که در رادیو اجرا می‌شد و مراحل خودش را طی می‌کرد و بیشتر به صورت تمرین بود. ولی در اصل اولین آهنگی که مورد توجه قرار گرفت و گل کرد، آهنگ «فلک چشمات» بود که آهنگسازی آن کارا آقای فریبرز لاجینی انجام دادند.

شعر موج خروشان در خاطر تان است؟
من موج در به درم / کز طوفان بی خبرم / بحر خروشان منزل من...

آهنگ بعدی کدام آهنگ بود؟
نام آهنگ «فلک چشمات» بود. خیلی آهنگ خواندم. با آهنگسازان رادیو همکاری داشتم یک آقایی بودند به نام اکبر محسنی که در حال حاضر فوت کردند. ایشان برای برنامه هفت شهر عشق آهنگ می‌ساختند و من در آن برنامه با ایشان کار می‌کردم.
خاطر من هست یک آهنگی به من پیشنهاد دادند به نام (مرا بوسه‌ای ده) که من قبول نکردم اجرا کنم، به آقای محسنی گفتم خیلی زشت است یک خانم این جمله را فریاد بزند. بر اینم این کارهایی معنی بود. پس شما در آن زمان هم این محدودیت‌ها را برای خودتان داشتید؟



موسیقی



عکس: مهرداد پیمان، شرق

کار جدید «بیاری اندر کس نمی‌بینم باران را چه شد/ دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد» است. کنسرت شما یازده و دو دوازده اسفندماه برگزار شد. گروهتان چه کسانی بودند؟

پیانست گروه عوض شده. قبلاً خانم فریبا جوهری بودند که به علت سفرهایشان به برنامه ما نرسیدند و خانم لیلا صدقی پیانو زدند. اکثر گروه از جوان‌های با استعداد هستند و پر جنب و جوش. من خودم وقتی وارد استیج می‌شوم کاملاً احساس جوانی می‌کنم و بسیار شاد و اکتیو هستم. اعضای گروه از آن قرار است، آزاده شمس ویلن می‌زند، سارا احمدی دف می‌زند، آرمینا (درام) و لیلا صدقی (پیانو).

بعد از اینکه در دوره جدیدی کار خوانندن را برای بانوان شروع کرده اید، بیشتر خودتان آهنگسازی می‌کنید. چرا؟ آیا کسی به شما آهنگی را پیشنهاد نداده است؟

پیشنهاد داشت، اما خوشم نیامد، دیدم هر شعری را نمی‌توانم بخوانم. یا باید سفارش بدهم یا خودم بسازم و خوشبختانه روی این کار تسلط پیدا کردم و آهنگسازی را کارهایم را خودم انجام می‌دهم. کار آهنگسازی را به چه نحوی انجام می‌دهید؟ من ملودی را می‌سازم و با بچه‌های گروه کار را تنظیم می‌کنیم.

شما ساز هم می‌زنید؟
یک مقدار جزئی پیانو می‌زنم.
تأبه حال چقدر آهنگ ساختید؟
اوایل در کنسرت‌ها فقط کارهای قدیمی را می‌خواندم، اما اخیراً برای هر کنسرت دو کار جدید دارم. شعرها را چگونه انتخاب می‌کنید؟

معمولاً از حافظ یا فریدون مشیری. جدیدترین آهنگم شعری است از فریدون مشیری (از دلاویزترین روز جهان خاطرای با من هست به شمال زانی، سحری بود هنوز گوهر ماه به گیسوی شب آویخته بود، گل یاس عشق در جان هوارخته بود). من همیشه کنسرت‌هایم را با نام خدا و ذکر علی شروع می‌کنم در حالی که سارا دف می‌زند من می‌خوانم. چون نامه جرم ما به هم پیچیدند/ برندن به میزان عمل سنجیدند/ بیش از همه کس گناه ما بود/ اما را به ولایت علی بخشیدند و شعری از شاه مقصود عتقا صوفی ز فیض و زنفخه قدم دم به دم احوالِ حق هوالعلی و بعد با آهنگ «آمد نوبهار» کنسرت را شروع می‌کنیم.

هیچ ساز سنتی به کار نمی‌برد؟
نه، فقط وقتی آواز می‌خوانم با پیانو تکه‌های اصفهان را می‌نوازند و در بیشتر اوقات بدون هیچ آهنگی آواز می‌خوانم که بیشتر به دل می‌نشیند. یک قطعه در اوج اصفهان و یک ترانه شاد محلی «مرا عشقت چنان آزار کرده که از عمرم مرا بیزار کرده» و یک قسمت از گوشه‌های اصفهان. ما سرخوشان مست دل از کف نهاده‌ایم و آهنگ‌هایی مثل فلک چشمات و گل‌گلدون، که امضای من هستند.

برای خودم دلنشین نیست. یعنی برای سی‌دی مناسب نیست. با اینکه آهنگ‌های بسیار مشکلی بود اما من همه آن شعرها را دوست نداشتم. البته من تا به حال شعر بد نخوانده‌ام. اما آن شعرها به قدر کافی من را راضی نمی‌کرد.

چه مدت در رادیو فعالیت داشتید؟
من از زمانی که ازدواج کردم تا انقلاب اسلامی حدود شانزده یا هفده سال در رادیو بودم. تمام کارهایی که در رادیو اجرا کردم آهنگ‌های اصیلی بودند که بسیار سخت بود اما این آهنگ‌ها من را راضی نمی‌کرد. بدین ترتیب تصمیم گرفتم سبکم را تغییر دهم که همان زمان خوشبختانه با آقای فریبرز لاجینی ملاقات کردم و ایشان باعث شدند که سبک کاری من تغییر کند.

بعد از فلک چشمات تهیه‌کنندگان به دنبال شما بودند؟
بله تا آن زمان استاد خرم و شادروان تجویدی سراغ من نیامده بودند، اما بعد از فلک چشمات، آهنگ‌های زیادی به من پیشنهاد دادند و اصرار داشتند که من بخوانم.

بعد تا زمان گل‌گلدون افت نکردید؟
نه، افت نکردم، اما فعالیتم زیاد نبود. من باید کار خوب ارایه می‌دادم و کار خوب هم، مخارجش سنگین است، من در مجالس نمی‌خواندم و برای خودم محدودیت قائل بودم که همیشه این محدودیت را حفظ می‌کردم و برای اینکه خودم باید مخارج کار را تامین می‌کردم کمتر کار می‌کردم.

در اصل علت کار کمی تان صرفاً مادی بود؟
نه مساله مادیات نبود. من هر آهنگی را نمی‌خواندم، هر جایی نمی‌خواندم، همه اینها باعث می‌شد که کم کار باشم.

بعد از فلک چشمات چه آهنگی خیلی گل کرد؟
هنمفس آهنگ گل‌گلدون را در چه سالی خواندید؟

سال پنجاه و پنج.
در آن زمان فریدون شهبازیان معروف و کارهای خویش را ساخته بود؟
فریدون شهبازیان بسیار کارش خوب و خیلی آدم بااستعدادی بود.

همکاری شما با بابک بیات به چه صورتی بود؟
من آهنگ «بگویا مرد من ای از تبار هر چه عاشق» را با ایشان کار کردم.

این آهنگ را برای همسر تان خواندید؟
بله.
شما خواننده‌ای اهل خانواده بودید، اما با این وجود شعرهای خانوادگی نخواندید؟ چرا؟

ببینید فضا این جور نیست که من بخواهم شخصی بخوانم. من اول برای خدای خوانم و بعد برای همه مردم. البته چند سال پیش یک آهنگ برای مادرم هم خواندم که با این آهنگی که شما اشاره کردید، می‌شود دو آهنگ.

با این حال همان طور که گفتم ترجیح می‌دهم که آهنگ‌هایم متعلق به همه باشد و برای شخص خاصی نباشد. شعر آهنگ این بود: من به دیدار سحر می‌رفتم، نفسم بانفس یار در آمیخته بود، (فریدون مشیری)، البته مقداری از شعر را حذف کردم تا برای ترانه مناسب شود.

از غزل‌های حافظ کدام را انتخاب کردید؟

از حافظ تا به حال چندین غزل انتخاب کرده‌ام

به دنبال تجلیل از حسین دهلوی بر پا خواهد شد
بزرگداشت پایور و نوری در تالار وحدت
شد؛ در این یادمان که توسط گروه پایور و به سرپرستی سعید ثابت برگزار می‌شود حمیدراز نوربخش به عنوان خواننده و محمد اسماعیلی نوازنده تنبک بوده و ساعت اجرای برنامه ۱۹ است. یادمان استاد محمد نوری هم در قالب کنسرت «آواز با عشق» با مدیریت مهراڻ فرهادی به مدت سه روز از ۱۸ تا ۲۰ اسفند در تالار وحدت اجرا می‌شود؛ به طوری که تالار وحدت ۱۸ اسفند (ساعت ۱۹:۳۰) و ۱۹ و ۲۰ اسفند در دونوبت (ساعت‌های ۱۸ و ۲۱) میزبان این کنسرت خواهد بود؛ این در حالی است که کنسرت «آواز با عشق» در شامگاه ۲۰ اسفند ویژه هنرمندان روی صحنه خواهد رفت. رونمایی از تندیس جایزه «محمدنوری» نیز از جمله برنامه‌های مهم این یادمان است.

کوارتت

به بهانه اجرای جدید آثار هندریکس

غم‌انگیز و انقلابی

علیرضا امیرحاجبی

■ آثار موسیقی جیمی هندریکس نوازنده و آهنگساز بزرگ آمریکا همواره مورد توجه کارشناسان و سایر موسیقی‌دانان سراسر جهان قرار داشته و دارد. موسیقی هندریکس در هیچ گونه سبکی طبقه‌بندی نمی‌شود هر چند لحن گیتار و گروهش چیزی بین بلوز و راک را تداعی می‌کند اما بسیاری از قطعاتش شباهت‌هایی به بداهه‌نوازی‌های آهنگسازان و نوازندگان سبک جاز دارد. به همین دلیل است که تمامی دوستداران موسیقی مدرن علاقه و احترام خود را به مناسبت نثار وی می‌کنند.

نوازندگان بزرگی خود را به اشکال مختلف شاگرد و تربیت شده مکتب هندریکس می‌دانند. از جمله دیوید بالاکریش نان (Blakrishnan) نوازنده چیره‌دست ویلن، وی در ۱۹۶۹ به عنوان یک نوجوانان دانش آموز ویلن که علاقه زیادی به هندریکس داشت با دیدن کنسرت لس‌آنجلس ستار گیتار جهان تمام سعی خود را جهت منطق ساختن آثار هندریکس بر روی ویلن کلاسیک آغاز کرد. دیوید تصمیم گرفته بود تا در مجموعه آهنگ‌های خود هم قطعاتی از موسیقی کلاسیک را جای دهد و هم چند آهنگ از جیمی هندریکس. وی در سال ۱۹۸۵ و پس از تأسیس گروه چهار نفری تورتل ابلند (Quartet) همراه با دوستانش نگاه خود را به آثار جاز آهنگسازانی چون جان کلترین (Coltrane) و به ویژه آهنگ‌های آلبوم «عشق متعالی» وی معطوف کردند. آنان در آلبوم دیگری با عنوان هیچ وقت آنجا نبوده‌ای دوباره به سمت راک و آثار جیمی هندریکس روی آورده و متوجه قابلیت‌های عجیب موسیقی هندریکس جهت تبدیل به آهنگ‌هایی برای گروه چهارنفری زهی (string-Quartet) شدند. چهارشنبه هفته پیش آملی ناتار بزرگ لئونارد نیموی ایتالیا پذیرای گروه چهار نفری بالاکریش نان بود. گروهی با طبعی کلاسیک که آثار تعدادی از مطرح‌ترین نوازندگان راک و جاز جهان را اجرا کردند. البته به شکلی دقیق نمی‌توان تمام آنچه هندریکس می‌نواخت را دوبارنوازی کرد اما می‌توان تا حدود زیادی ملودی‌های اصلی، ریتم و هارمونی‌های پیچیده او را دوباره رای به اجرا کرد.

البته بدون در نظر گرفتن ریتم نواز درامیست هندریکس یعنی میج میچل با افکت‌های دیستورتشن (Distortion) گیتار غمگین هندریکس. اجرای آثار هندریکس به گفته خود اعضای گروه بسیار سخت و انرژیی بسیاری را می‌طلبد. آکوردهای پیچیده، پرش‌های سریع از یک گام به گام دیگر که در بسیاری موارد موسیقی‌اش را سیال و بین جوهر موسیقی جاز و موسیقی مدرن سریالیزه می‌کند، مارک خاص نوازنده ویلن سل است که هیچ موسیقی‌دان مدرن و معاصر نیست که پیوندی با هندریکس را خواهان نباشد. گروه زهی بالاکریش نان برای برقراری ریتم آهنگ‌های هندریکس با چالش سختی مواجه بود و تنها راه حل فعال تر کردن ویلن سل به عنوان موتور محر که ریتم تششع‌ساز داده شد. مارک خاص نوازنده ویلن سل با ارایه تکنیک‌هایی از قبیل ضربه ارش به روی سیم‌ها، پیتزیکاتسو (Pizzicato) نواختن با پنجه بدون ارش به و ضرب آهنگ پاهاتوناست به حفظ ریتم کمک کند. سامر در قطعه مشهور fettle (wing) تسلط خود را به رخ مخاطبان کشید. تازه و پس از اجرای قطعات قدیم دم به دم احوالِ حق گروه متوجه شدند چه اقدام پیچیده‌ای را به پایان رسانده‌اند و ارزش آثار هندریکس برای آنان و سایر کارشناسان چند برابر شد، اما به قول آلن کوزین

منتقد نیویورک تایمز راه و روش هندریکس، شاید قابل کشف و درک باشد اما جوهره فوق طبیعی و جادوی موسیقی او که در هنری یدوی و گاه آیینی را بازنمایی می‌کند، غیرقابل دسترس‌سی است. این وضعیت در کودک وودو (woodoo child) به شدت مشکل ساز می‌شود. این قطعه از پیچیده‌ترین آثار هندریکس است. گروه بالاکریش نان از تمام ظرفیت خود برای باز اجرای این اثر به کار برد. در قطعات دیگر که چالشی برای گروه بود قطعه‌هایی از آلبوم (Electric lady land) و «چشم‌بان کولی» است. آلبومی که سراسر ذهنیت سیال و روان هندریکس و راهیایی از عقلانیت موسیقایی آکادمیک را به وضوح نشان می‌دهند. کوارتت جزیره تورتل چند آهنگ دیگر از آهنگسازان و نوازندگان بزرگی چون جان مک لافلین و چیکوریا (chickcorea) را اجرا کردند که خود نمایان‌گر تسلط گروه به سبک‌های جاز و فیوژن داشت.

کنسرت این کوارتت نشان داد آثار هندریکس در رفیع‌ترین جایگاه موسیقی مدرن قرار دارد. هندریکس در ۱۹۷۰ و در سن ۲۸ سالگی درگذشت.

